

ساز و کارهای حقوقی در مقابله با جرایم اقتصادی در عرصه بین الملل و مسئولیت دولت در این راستا

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

بابک رستان را^۱

دکتر یزدان نصرتی

چکیده

جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده و اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. چالش‌هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، پراکندگی و بعضاً نامناسب بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و ... در پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. امروزه فعالیت های اقتصادی و تجاری در استقرار و ثبات سیاسی کشورها نقش مهمی را بازی می کنند و معادلات سیاسی دنیا و روابط دو یا چند جانبه کشورها براساس قدرت اقتصادی و بازرگانی آن ها رقم می-خورد. یکی از بزرگترین دغدغه های جهانی جامعه بشری، نحوه برخورد با جرایم سازمان یافته ی فراملی و ریشه کن کردن این جرایم با همکاری کلیه دولت های جهان است. این موضوع به خصوص در مورد کشورهایی که دارای اقتصاد رانتهی هستند دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری است و حقوق کیفری ایران نشان می دهد که یا اصلاً جرمی با این عنوان فساد اقتصادی در قانون کیفری ایران وجود ندارد یا تحت عنوان دیگری، جرم‌انگاری شده است و یا قانون کیفری ایران قسمتی از آن جرم را و نه به طور کامل مورد

^۱ نویسنده مسئول



توجه قرار داده است. البته در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اشاره شده است که، اخلال در نظام اقتصادی کشور به طور گسترده یکی از مصادیق افساد فی الارض می‌باشد که در این مورد نیز، قانون نارساست. قطعاً عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... در ظهور و بروز مفساد و جرائم اقتصادی موثر و دخیل هستند که امکان برشماری همه آن‌ها در این مجال مختصر نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



بخش اول: کلیات

یکی از نقاط آسیب پذیر کلیدی که منجر به فساد و جرم اقتصادی می شود جابجایی در مصالح فردی و اجتماعی است، به نحوی که برخی از افراد منافع شخصی خود را بر منافع و مصالح جمعی مقدم بدانند. در همه مکاتب نظری اقتصاد، به منافع و مصالح فرد و جمع توجه شده است که هریک رویکرد متفاوتی به موضوع دارند. در تبیین دیدگاه نظام اقتصادی اسلام در تعارض بین مصالح فرد و جمع، مصالح جمع اولویت دارد (خلیلان، ۱۳۸۴: ۳۰۸). این معنا زمانی تحقق خواهد یافت که کارکنان دولت و سایر عناصر مرتبط با منابع دولتی، که مسئولیت مدیریت بر اموال و دارایی های عمومی را در اختیار می گیرند، امانت داری نموده و آن ها را بر خلاف منافع عمومی، به نفع خود تصاحب ننموده و بهره برداری نامشروع ننمایند. از نقاط آسیب پذیر مهم دیگری که منجر به بروز مفاسد و جرایم اقتصادی می شود وجود انحصارات در سامانه های مختلف ساختار حاکمیت می باشد که اغلب از آن به عنوان رانت یاد می شود.

بند اول: تعریف فساد از نظر لغوی

فساد در لغت به معنی تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضد صلاح و به ستم گرفتن مال کسی می باشد. (فرهنگ عمید، ۱۳۸۱، ص ۹۱۶) فساد، عمل یا تصمیمی که موجب شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد.

بند دوم: تعریف فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه

ارزش های فرهنگی و اخلاقی هر جامعه با سایر جوامع متفاوت است و در داخل یک جامعه نیز، این ارزش ها در طول زمان تغییر می کنند. فساد اداری را باید با توجه به دیدگاه های عمومی مردم تعریف کرد، چرا که اقدامی در چارچوب فعالیت های اداری و دولتی، مصداق فساد است که از دید مردم جامعه غیر اخلاقی و مضر باشد. ضمناً مردم بر حسب نظرات



شخصی از فساد تعریف‌های گوناگون دارند. به عبارت دیگر، تعریف فساد از دیدگاه نخبگان سیاسی با تلقی توده مردم متفاوت است.

بند سوم: تعریف فساد و جرم اقتصادی از نظر قانون

یکی از مصادیق جرم و افساد فی الارض به موجب ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ «اخلال در نظام اقتصادی کشور» به طور گسترده می‌باشد. زیرا ماده‌ی مورد بحث می‌گوید: هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

بخش دوم: راهکارهای پیشگیری از فساد اقتصادی

فساد اقتصادی دارای عواملی است که در دو گفتار عوامل فردی و عوامل محیطی به بررسی آنها خواهیم پرداخت. در عوامل فردی به بررسی عامل زیستی و عامل روانی و در عوامل محیطی به بررسی محیط اقتصادی و محیط فرهنگی خواهیم پرداخت.

الف- عوامل فردی

این عوامل را به عامل زیستی و روانی تقسیم می‌کنیم و هر یک را جداگانه بیان می‌کنیم.

۱-عوامل زیستی



عوامل زیستی یعنی نقش و تأثیر سن، جنس، نژاد، رنگ، یا به عبارت دیگر ژن یا نقش عواملی که در فیزیولوژی ساختمان بدن تأثیر گذارند در ارتکاب جرم.

۲- عامل روانی

یکی دیگر از علل ارتکاب فساد اقتصادی عامل روانی است. مشمولان این عامل، از نظر اجتماعی و روانی افراد محترم جامعه هستند، در جامعه حل شده‌اند، توانایی سازگاری‌شان بالا و تمایلات مجرمانه‌شان زیاد است. می‌توانند خوب مرتکب جرم شوند، رقم سیاه بزهکاری این دسته از افراد، بسیار زیاد است. می‌توان گفت که بزهکار اجتماعی خود محور است و معیار خوب و بد خود او است و زمانی که در موقعیت مدیر شرکت قرار می‌گیرد، همه چیز را حل و فصل می‌کند، منافع خود را بر منافع جامعه ترجیح می‌دهد و در چنین شرایطی موانع وجدانی درونی و اخلاقی در او کارساز نیست و اموال شرکت را اموال خود می‌داند. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) عامل روانی و اجتماعی مفسد می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی داشته باشد پیامدهای منفی را می‌توان چنین برشمرد:

الف- باعث اتلاف منابع می‌شود؛

ب- فساد مانع رشد رقابت و موجب خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود؛

ج- چنین افرادی مرتکب فساد می‌شوند و با تضعیف انگیزه‌ها، موجب زیان‌های اجتماعی و یا تضعیف نهادهای موجود و بالاخره زیان اقتصادی می‌شود؛

د- فساد از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات جامعه را مخدوش می‌سازد؛

ذ- فساد به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان، پیش‌بینی اقتصادی منجر می‌شود و مانع توسعه پایدار است؛

ر- فساد منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی، کم رنگ شدن فضائل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان می‌شود؛



ز- فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود. (عباس زادگان، پیشین، ص ۲۴)

ب- عوامل محیطی

در کشور ما دولت نه تنها به عنوان کارفرما، بلکه به عنوان تنظیم کننده امور تولیدی و توزیعی بزرگ با تمام ابعاد زندگی مردم، ارتباط دارد و به دلیل فقدان بخش خصوصی، دامنه فعالیت‌های دولت روز به روز افزایش می‌یابد. این امر علاوه بر محدودیت‌هایی که از جانب دولت در زمینه‌های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز فساد است.

۱- محیط اقتصادی

فرار سرمایه و گسترش قلمرو اقتصاد زیرزمینی و اتلاف منابع، مانع رشد رقابت و افزایش هزینه معاملات رسمی و ناامنی اقتصادی خواهد بود. (عباس زادگان، پیشین، ص ۲۴) اگر بخواهیم خطرپذیری کاهش پیدا کند و سرمایه‌گذار در داخل کشور سرمایه‌گذاری کند و قلمرو اقتصاد زیرزمینی کاهش پیدا کند، منابع مالی دولت در مسیر درست هدایت و نظارت قرار گیرد، اقتصاد و بازرگانی رشد داشته باشد و هزینه‌های دولتی کاهش پیدا کند لزوماً باید تصدی‌گری دولت را کاهش دهیم؛ دولت از حالت سرمایه‌گذاری و بازرگانی خارج شود و نقش خود را در سیاست‌گذاری کلان و نظارت ایفا کند. رقابت‌پذیری به وجود آید و در بین تجار و بازرگانان تحول اقتصادی سالم ایجاد شود. نظارت موازی حذف شود دخالت دولت محو گردد و هر کس بتواند مالکیت مشروع و قانونی در فضای سالم به وجود آورد. باید محیط اقتصادی ضابطه‌مند و رقابت‌پذیر ایجاد نمایم.

۲- محیط فرهنگی

یکی دیگر از علل وقوع بزه اقتصادی، محیط فرهنگی است که در تکوین و شکل‌گیری شخصیت انسان و همچنین تصمیم‌گیری‌های وی در رابطه با مسائل مختلف اعم از این که منفی

باشد یا مثبت، فرهنگ و شرایط حاکم بر فرد است و این عامل می‌تواند زمینه‌ساز فساد باشد. اگر فرهنگ سازمانی مبتنی بر کسب درآمد نامشروع باشد در این جامعه افراد بدون توجه به حقوق دیگران و رعایت همنوعان خود مرتکب فساد خواهند شد. کاهش سطح وجدان کاری در جامعه می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. ناآگاهی یا آگاهی کم مردم از حدود و وظایف و فعالیت دستگاه‌ها و حقوق و تکالیف خود، غلبه پیدا کردن فرهنگ قانون‌گریزی و به سخره گرفتن قانونمندی و قانونمداری، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، شیوع فرهنگ فزون‌طلبی، رفاه و آسایش بیش از حد استحقاق (همدمی خطبه‌سرا، پیشین، ص ۱۹۳) از عوامل فرهنگ سازمانی خواهد بود که زمینه بروز و ظهور جرم‌اند. فرهنگ‌های مختلف در جوامع مختلف، به ویژه ایران، در سازمان‌ها متفاوت بوده و برداشت و هنجارهای یکسانی در مورد اقدامات فسادآمیز وجود ندارد. برای مثال، هدیه دادن به صورت مختلف در کشور ما به یک کارمند قبیح و ناصواب بوده و دریافت‌کننده هدیه به اتهام رشوه، توسط قانون تحت تعقیب قرار خواهد گرفت و به فساد او رسیدگی می‌شود. اما هدیه دادن در فرهنگ تایلند بسیار مرسوم است. این هدایا قسمتی از ارتباطات از نوع موکل - مشتری میان فرمانروا و فرمانبردار است و هدایای کوچک نشانه سپاسگزاری و موارد بزرگ را رشوه‌های غیرقانونی تلقی می‌کردند.» (ربیعی، پیشین، ص ۹۲) فقدان وجدان کاری، انضباط اجتماعی و عدم توجه به مبانی ارزشی جامعه، ناآگاهی یا آگاهی کم افراد از حدود و وظائف و فعالیت‌های دستگاه‌های گوناگون؛ نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد به ویژه برای حمایت از کارکنان دولت، از عوامل دیگر فرهنگی سازمان برای بروز فساد اداری یا اقتصادی خواهد بود. (عباس زادگان، پیشین، ص ۲۳)

بخش سوم: روش‌های پیشگیری از جرم و فساد اقتصادی در عرصه ملی و بین

الملل

بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین به عهده دستگاه قضایی است. بر اساس این اصل بند ۴ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند که قوه قضاییه باید تمهید و سازوکار لازم برای پیشگیری از وقوع جرم به عمل

آورد. در بند ۸ از ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی، قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲، قانون تشدید مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و قانون تأسیس سازمان بهزیستی، به پیشگیری از وقوع جرم و شناسایی آسیب‌ها توجه شده، اما در عمل اقدام خاصی صورت نگرفته است.

الف) پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی

۱- پیشگیری در فرمان مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در فرمان هشت ماده‌ای مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی که به سران سه قوه ابلاغ نمودند، به پیشگیری اجتماعی اشاره داشتند. ایشان در این زمینه به انتخاب قضات قاطع، پاکدامن، شجاع و عالم اشاره فرمودند. فرمان هشت ماده‌ای ایشان نوعی منشور اخلاقی برای حکومت جمهوری اسلامی ایران است که تبعیت از آن الزام‌آور است چرا که در راستای اعمال اصل یکصد و ده قانون اساسی است. اگر انسان از انحرافات اجتماعی و اقتصادی خود را دور نکند ممکن است خطراتی او را تهدید کند شده است در دین اسلام به پیشگیری اجتماعی توجه ویژه‌ای نمودند و به آن اهمیت بیشتری داده‌اند؛ به گونه‌ای که در همین راستا، مواردی همچون تقوی، فروتنی توانگران در برابر مستمندان برای به دست آوردن پاداش الهی و نیز خویشنداری مستمندان در برابر توانگران، با توکل به خداوند، عفت ورزیدن، شکرگذاری و بخشش، رضایت و خشنودی، شکیبایی، دانش‌ورزی و رازداری به عنوان ارزش‌های اخلاقی و مواردی همچون خودپسندی، خفتن عقل و طمع‌ورزی، تحت عنوان ضد ارزش‌ها تبیین گشته و مردم به ارزش‌های اسلامی دعوت شده‌اند. از جمله عوامل مؤثر در پیشگیری اجتماعی تاکید مقام معظم رهبری بر الزام اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به ارایه پاسخ به مقامات و جایگاه‌های پیش‌بینی شده در نظام حکومتی و قانونگذاری، قضایی و اداری، مستندسازی و شفاف‌سازی فعالیت‌ها و تصمیمات اقتصادی و ارایه پاسخ متقابل به یکدیگر در چارچوب قوانین مدون و مشخص است.



ب) پیشگیری در مقررات ملی و فراملی

اصل ۱۴۲ قانون اساسی و مقرر می‌دارد: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.» مجری اصل مذکور رئیس محترم قوه قضائیه است و در حوزه ریاست محترم قوه دفتر اصل ۱۴۲ قانون اساسی تأسیس شده و امیدواریم نتیجه فعالیت و اقدامات برای عامه مردم منتشر شود. اصل ۱۴۷ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد:

«هر گونه بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آن‌ها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر این‌ها ممنوع است.» هم‌چنین اصل ۱۴۱ قانون اساسی نیز تصدی بیش از یک شغل را ممنوع می‌داند. در همین راستا قانون تصدی بیش از یک شغل در سال ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

قانون استخدام کشوری نیز جذب و به کارگیری نیروهای متخصص، و کاردانی و شایسته سالاری در تمامی رده‌های مدیریتی، کارشناسی و سایر موارد، جلوگیری از خویشاوند سالاری، جلوگیری از هم‌محلی سالاری، هم‌شهری سالاری، هم‌استانی سالاری و هم‌مذهب سالاری در نظام اداری را عامل پیشگیری از فساد و هم‌چنین موجب جلب رضایت توده‌های مردم به حاکمیت می‌داند.

ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد چنین بیان می‌دارد:

بند ۱- هر کشور عضو به منظور مبارزه با فساد، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود یکپارچگی، صداقت و مسؤولیت را در بین مقامات دولتی خود ارتقاء خواهد داد.

بند ۲- هر کشور عضو به ویژه تلاش خواهد نمود تا در چهارچوب نظام حقوقی و سازمانی خود مقررات یا استانداردهای رفتاری را برای اجرای صحیح، آبرومندانه و مناسب عملکردهای دولتی به کار برد.



بند ۶- هر کشور عضو طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، اقدامات انضباطی و غیره را در مورد مقامات دولتی‌ای که ضوابط یا مقررات وضع شده بر اساس این ماده را نقض می‌کند، مدنظر قرار خواهند داد.

از دیدگاه پیشگیری اجتماعی، کارمندان دولتی یا مقامات کشوری باید افرادی متعهد، دلسوز، تلاش‌گر و ایثارگر نباشند؛ بر هوای نفس خود غلبه کنند، انضباط اداری و مالی را رعایت کنند، امین و امانتدار باشند، لقمه حرام نخورده باشند، چشمانش به اموال دیگران نباشد، خدا ترس باشند، گرایش‌های حزبی و سیاسی را مورد لحاظ قرار ندهند، واقعاً مردم‌سالاری را وفق موازین اسلام و قانون رعایت کنند، از گروه‌گرایی پرهیز کند و در عزل و نصب اداری یا مالی به صورت گروهی عمل نکنند.

ج) پیشگیری وضعی

۱- پیشگیری وضعی در فرمان مقام معظم رهبری

ولی‌امر مسلمین در فرمان هشت ماده‌ای مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ به سران سه قوه فرمودند «برای خشکاندن ریشه فساد مالی و اقتصادی، نظارت سازمانی افزایش یافته و دقیق و بی‌اغماض از بروز رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کنید.» در پیشگیری وضعی باید آسیب‌شناسی صورت گیرد، نظارت دقیق باشد، بزه‌دیده و بزه‌کار شناسایی شوند، وزارت اطلاعات و نهادهای چون دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور خیلی عالی می‌توانند با دستگاه قضایی همکاری نموده و دست افراد منحرف را از غارت اموال عمومی قطع کنند. «اجرای عدالت باید قاطع، ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ، جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند، نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود.» بر اساس بند ۴ فرمان رهبری بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه،



باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسوولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری کنند. با فساد در هر جا و هر مسند باید بدون تبعیض و به صورت یکسان برخورد شود.

۲- پیشگیری وضعی در مقررات ملی و فراملی

اگر کنترل پنهانی، حسابرسی آشکار و نظارت توسعه پیدا کند و ناظرین یا بازرسان افرادی با تجربه باشند، قطعاً هزینه کشف کاهش پیدا می‌کند. اگر بازرسان فاقد تجربه بوده یا این که در آن موضوع خاص تخصص نداشته باشند، قطعاً به نفع مرتکب یا فرد فاسد اقتصادی خواهد بود. باید پیشگیری وضعی یا فنی را برای قبل از وقوع جرم افزایش داد و عرصه را برای فرد خاطی یا سوءاستفاده کننده از قدرت مالی دولتی یا عمومی تنگ نمود.

با این مقدمه، پیشگیری وضعی را در مقررات ملی و فراملی بررسی می‌کنیم.

در کشور ما سازمان‌های نظارتی آشکار و پنهانی برای پیش‌گیری وضعی وجود دارد، مانند سازمان بازرسی کل کشور نظارت بر حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری را بر عهده دارد. انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری، یا به دستور رییس قوه قضائیه، درخواست رییس‌جمهور، کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی، تقاضای وزیر یا مسوول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رییس سازمان ضروری تشخیص داده شود.» (بند ب.م. ق.ت.ب.ک)

اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارت‌خانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رییس‌جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک‌بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در خصوص سوء جریانات اداری و مالی مراجع قضایی به واحدهای تابعه دادگستری به رییس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد. (بند ج م- ۲- ق.ت.ب.ک) در صورتی که گزارش بازرسی



حاکمی از سوء جریان مالی یا اداری باشد رییس سازمان یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب مستقیماً به مرجع قضایی صالح و مراجع اداری انضباطی مربوطه منعکس و تا حصول نتیجه نهایی پیگیری خواهد کرد.^۱ (بند د.م.۲.ق.ت.ب.ک)

سازمان معمولاً برای انجام بازرسی از قضات و کارشناسان مالی برجسته برای بررسی و کارشناسی استفاده می‌نماید.

ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی - نظارت مالی

اعمال نظارت مالی بر مخارج وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی از نظر انطباق پرداخت‌ها با مقررات این قانون و سایر قوانین و مقررات راجع به هر نوع خرج، به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

ماده ۹۳ قانون محاسبات عمومی

در صورتی که بر اساس گواهی خلاف واقع ذی‌حساب نسبت به تأمین اعتبار و یا اقدام یا دستور وزیر یا رییس مؤسسه دولتی یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها زائد بر اعتبار مصوب و یا بر خلاف قانون و جمعی پرداخت یا تعهدی علیه دولت امضاء شود هر یک از این تخلفات در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب خواهد شد. یکی دیگر از سازمان‌های که در امر نظارت بر امور مالی به صورت پنهانی برای حفاظت و حراست از اموال دولتی و عمومی انجام وظیفه می‌کند، وزارت اطلاعات است. قانونگذار در ماده یک قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۲۷ مرداد ماه ۱۳۶۲ به پرورش نیروهای لازم برای اطلاعات و امنیت داخلی و خارجی اشاره نموده و در ماده ده قانون مذکور به شرح وظائف وزارت اطلاعات پرداخته است. امروزه امنیت ملی دارای شش عنصر است. یکی از این عناصر امنیت اقتصادی است که باید به طرق قانونی و بر حسب فرامین رهبری تأمین شود. وزارت اطلاعات وفق قانون ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

^۱ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

بیان داشته که وزارت اطلاعات «در کشف مفساد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضائیه اقدامات لازم را به عمل می‌آورد.» فساد اقتصادی و مالی امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و همه دستگاه‌ها باید به روش قانونی و بر اساس موازین شرعی، زمینه‌های بروز فساد را شناسایی و از بین ببرند. سازمان اطلاعات بطور با ابزارهای قانونی که در اختیار دارد فساد را کشف می‌کند و پس از کشف به مراجع قضایی گزارش می‌دهند. در پیشگیری از طریق برقراری دیده‌بانی و نظارت بر حساب‌ها و حواله‌ها، هزینه کیفری جرم را بالا می‌برند. به عبارتی یک نهاد دیده‌بانی و یک نهاد محسوس بر این معاملات حاکم می‌شود و هدف شناسایی مشتری و کنترل معاملات است. در فرانسه نهادی به نام نهاد تراک فن وجود دارد که هر چند نهادی اداری است اما به عنوان ضابط قضایی بررسی‌های این چنین را انجام داده و به مقامات ذی‌ربط گزارش می‌دهد. در پیشگیری وضعی که می‌توان آن را پیشگیری فنی هم نامگذاری کرد، از طریق مداخله در فعالیت افراد بالقوه بزه‌دیده و مصون کردن آماج جرم، هدف منصرف کردن مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم است. یعنی انصراف از ارتکاب جرم با تقویت افرادی که در معرض بزه‌دیدگی هستند.» (نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۱۱۸-۱۲۱) بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد یک پیشگیری فنی را بیان کرده، کاری به اصلاح مجرم ندارد و از پیشگیری اجتماعی سخن به میان نمی‌آورد. بلکه بیشتر خود سیل جرم، یعنی حساب‌ها، اموال و ... را مورد حمایت قرار می‌دهد تا مشتریان و صاحبان حساب‌ها و ... مرتکب جرم نشوند. برقراری این دیده‌بانی و نظارت بر حساب‌ها و حواله‌ها شانس کشف جرم را بالا برده و هزینه کیفری ارتکاب جرم را برای مرتکبین افزایش می‌دهد. اصولاً پیشگیری وضعی با حقوق و آزادی‌های فرد در تقابل است. پیشگیری وضعی و فنی ملازم یکدیگرند. جرایم سازمان‌یافته چنان پیچیده‌اند که دولت و ضابطین قضایی ناتوان از اشراف بر آن جرمند و هزینه آن به قدری برای دولت زیاد است که نمی‌تواند آن را جبران کند. دولت برای مبارزه با قاچاق، سالانه میلیون‌ها تومان هزینه می‌کند، در حالی که نمی‌تواند از قاچاقچیان مالیات بگیرد! باید روش‌های پیشگیری وضعی و اجتماعی را در جامعه افزایش داد تا کنترل قوی شود و از اعمال نفوذ خودداری گردد. باید افرادی که نفوذناپذیر هستند برای



امر بازرسی، نظارت و کنترل انتخاب شوند و در عین حال باید سازمان‌های ناظر را برای امر بازرسی تشویق کرد. مسئولین موارد بازرسی را باید اعلام کنند و به اطلاع افکار عمومی برسانند. اگر در جریان نظارت به ضعفی برخورد کردند، از طریق امر به معروف و نهی از منکر اقدام نمایند کمبودها را شناسایی و نسبت به رفع آن اقدام کنند. اگر مدیر غیرمتخصص باشد، باید پیشنهاد جابه‌جایی را به مرجع ذی‌صلاح اعلام کنند. در کشورهای مردم‌سالار و دموکراتیک به بهانه صرفه‌جویی در هزینه‌ها برخی از اصول ثابت جرم‌شناسی و حقوق کیفری بشری نقض می‌شود و این با موارد مذکور در فوق و با توجه به پیچیدگی‌های جرم سازمان یافته یا فساد اقتصادی قابل توجه نیست. دولت‌ها مکلفند که در مبارزه با این جرایم، تمام جوانب را در نظر گیرند، چرا که در غیر این صورت مبارزه با این جرایم بسیار دشوار و حتی ناممکن است. در این جا جدال بین برقراری امنیت و مبارزه با جرم سازمان‌یافته با حفظ عدالت و احترام به اصول حقوق بشری و من جمله اصل برائت، مطرح است. (نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۱۲۰) متأسفانه در سال‌های اخیر، روش‌های پیشگیری اجتماعی و وضعی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. امید است مسوولان دولتی با تدابیری بتوانند راهکارهای اصولی و منطقی اتخاذ کنند و مانع رشد جرائم در نظام اقتصادی، اداری، دولتی، غیردولتی و سازمان‌های عمومی گردند.

بخش چهارم: عوامل مؤثر بر گسترش فساد اقتصادی

متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مؤثر بر عرضه و تقاضای فساد عبارتند از:

- ۱- سطح اخلاق عمومی و وجدان کار
- ۲- میزان مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی
- ۳- سطح حقوق و مزایای کارمندان
- ۴- احتمال کشف فساد اداری
- ۵- شدت تنبیهات قانونی برای مرتکبین فساد اداری
- ۶- شدت تعهدات و علایق خانوادگی و خویشاوندی



۷- شدت گسترش و شیوع فساد اداری

۸- دامنه فعالیت‌های نظارتی و تنبیهی دولت

۹- شدت کاغذبازی و سنگ‌اندازی در نظام اداری

اگر چه علل و عوامل مؤثر بر بروز فساد مالی در کشورهای مختلف با روش‌های متفاوتی بررسی می‌شوند؛ با این وجود، می‌توان جمع‌بندی تحلیل‌های مختلف از فساد را به شرح زیر فهرست کرد:

الف - عوامل اداری و مدیریتی

۱- قوی نبودن فرهنگ سازمانی و دل‌بستگی نداشتن کارکنان و مدیران به سازمان و اهداف آن؛

۲- مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی‌توجهی به وضع زندگی آن‌ها و نیز بیم از افزایش تورم و اطمینان نداشتن به آینده شغلی؛

۳- بی‌ثباتی در مدیریت و ابهام در سیاست‌ها؛

۴- توزیع نامتناسب درآمدها بین گروه‌ها در سازمان و بین کارکنان بخش‌های دولتی و غیردولتی؛

۵- اعطای اختیارات بیش از اندازه و قدرت زیاد و سوءاستفاده از آن؛

۶- نقصان و پیچیدگی قوانین و مقررات و عدم تطابق با واقعیت‌های ملموس؛

۷- بی‌توجهی به شایسته‌سالاری و واگذاری فعالیت‌های حساس به افراد غیرمتعهد و بی‌تجربه؛

۸- نبود انگیزه ناشی از فقدان نظام تشویق و تنبیه مناسب؛

۹- انحصار فعالیت‌های اداری برای گروه‌های خاص؛

۱۰- ضعف ساختارهای نظارتی و فقدان هماهنگی‌های لازم در بُعد نظارت؛

۱۱- نبود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت‌های نظام اداری؛



ب - عوامل فرهنگی و اجتماعی

- ۱- فقدان وجدان کاری، انضباط اجتماعی و بی توجهی به مبانی ارزشی جامعه؛
- ۲- ناآگاهی یا آگاهی کم افراد از حدود وظایف و فعالیت‌های دستگاه‌های گوناگون؛
- ۳- نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد به ویژه برای حمایت از کارکنان دولت.

ج - عوامل سیاسی

ساختار سیاسی - اجتماعی، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را مشخص می‌کند. آنان از این طریق بر منافع و هزینه‌هایی نظارت می‌کنند. سه متغیر عمده سیاسی اثرگذار بر میزان فساد به شرح زیر است:

- ۱- نحوه تقسیم قدرت سیاسی
- ۲- میزان آزادی‌های سیاسی به ویژه قدرت نقد حاکمیت
- ۳- میزان ثبات سیاسی

د - عوامل اقتصادی

در کشورهای پیشرفته، فعالیت‌های دولت به سیاستگذاری‌های کلان محدود شده است، اما در کشورهای در حال توسعه دولت با تمام ابعاد زندگی مردم، نه تنها به عنوان کارفرما، بلکه به عنوان تنظیم کننده امور و تولید کننده و توزیع کننده بزرگ ارتباط دارد و به دلیل فقدان بخش خصوصی، دامنه فعالیت‌های دولت در این کشورها روز به روز افزایش می‌یابد. این امر افزون بر محدودیت‌هایی که از جانب دولت در زمینه‌های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز فساد است.

بخش پنجم: شناخت آثار فساد اقتصادی در عرصه ملی و بین‌المللی

در سال‌های اخیر بیشترین توجه در کشورها به آثار اقتصادی فساد، معطوف شده است. در این ارتباط عده‌ای در مطالعات مختلف نشان داده‌اند که عوامل اصلی که فساد را در جامعه افزایش می‌دهند عبارتند از: بوروکراسی، سطح پایین دستمزدهای کارکنان بخش دولتی، نقش

قوانین، خصوصاً قوانین ضد فساد، در دسترس بودن منابع طبیعی، درجه رقابت، تجارت آزاد و هم‌چنین سیاست صنعتی کشورها. در مقابل عده‌ای دیگر توجه خود را به آثار و عواقب فساد متمرکز کرده‌اند، به عبارت دیگر در گزارش‌های خود نشان داده‌اند، فساد بر روی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد و فقر موثر است. هم‌چنین این گروه نشان داده‌اند که فساد بر کارایی اقتصاد، عدالت و رفاه اثر داشته است. براساس اعتقاد برخی از اقتصاددانان بستر مناسب فساد در اکثر کشورهای جهان "تجارت و سیاست" می‌باشد. این عده فساد با درجه بالا را با یک اثر منفی مانند "گریس در چرخ‌های اقتصادی" (Greasing the Wheels) تعریف کرده‌اند. فساد یک پدیده جدید نیست. ۲۰۰ سال قبل یکی از مسئولین کشور هندوستان کتابی در زمینه فساد نوشته بود. هم‌چنین دانه و شکسپیر در زمینه فساد مطالب زیادی گفته‌اند. در بسیاری از کتب و مقالات سده‌های گذشته نیز روش‌های مبارزه با فساد به چشم می‌خورد. طبق تعریفی که در سال ۱۹۹۳ میلادی برای اولین بار توسط شیلفر و ویشنی (Sheifer & Vishny) ارائه شده است این کنفرانس با عنوان (IACC)^۱ شفافیت برگزار می‌کند. در سال ۱۹۸۱ کنفرانس مبارزه با فساد با ۳۰ نماینده از کشورهای مختلف جهان در آمریکا و دهمین و آن در سال ۲۰۰۱ و ۱۶۰ نماینده از کشور مختلف جهان در چک برگزار شد. شاخص فساد اولین بار توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (TI) در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. این سازمان شاخص فساد را مانند سایر متغیرهای اقتصاد اندازه‌گیری و معرفی کرد. شاخص فساد و یا CPI^۲ میزان فساد را از صفر تا ۱۰ نشان می‌دهد. براساس این شاخص صفر بیشترین فساد و ۱۰ کمترین فساد را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱ فنلاند با ۹/۹ پاکترین کشور و بنگلادش با ۰/۴ بیشترین فساد را در بین کشورهای مختلف جهان به خود اختصاص داده‌اند.

این سازمان در سال ۲۰۰۷ برای ۱۸۰ کشور جهان شاخص فساد بررسی کرده است در این سال کشور دانمارک، فنلاند و سنگاپور با شاخص عددی یک و بالاترین نمره از ۱۰ یعنی نمره

1- International Anti- Corruption Conferanse.

2- Corruption percentions Index



۹/۴ دارای کمترین میزان فساد بوده‌اند. کشورهای برمه و سومالی با شاخص‌های عددی ۱۷۹ و نمره ۱/۴ از ۱۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند جمهوری اسلامی ایران با شاخص عددی ۱۳۱ و نمره ۲/۵ از ۱۰ دارا بوده است این شاخص برای کشور شاخص مناسبی برای دست‌یابی به توسعه که مد نظر دولت در چشم‌انداز بیست ساله کشور می‌باشد نیست و شاید عامل اساسی در رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی شود. افغانستان با شاخص عددی ۱۷۲ و نمره ۱/۸ از ۱۰ این کشور را نزدیک به چاد و سودان قرار داده است. کشورهای تاجیکستان آذربایجان، بلاروس، قرقیزستان، لیبیا و زیمبابوه دارای شاخص عددی ۱۵۰ می‌باشند که دارای وضعیت مناسبی نیستند. در میان کشورهای خاور میانه، قطر با شاخص ۳۲ دارای کم‌ترین میزان فساد، و عراق با شاخص ۱۷۸، دارای بیش‌ترین میزان فساد مالی و اداری در حوزه اقتصادی می‌باشد.^۱ (Ostrefeld, 2006, Vol., P.13) براساس گزارش‌های بانک جهانی از سال ۱۹۹۰ تاکنون کتب و مقالات متعددی به ۴۴ زبان مختلف دنیا در زمینه فساد در سطح جهان به چاپ رسیده است که از این بین ۵۰ درصد انگلیسی، ۱۳ درصد فرانسه، ۱۱ درصد اسپانیایی، ۵ درصد چینی و ۱۷ درصد به سایر زبان‌های دنیا بوده‌اند. امروزه بیش از ۱۴ مرکز مختلف در سطح بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات مختلف در زمینه محاسبه شاخص فساد مالی مشغولند. شاخص CPI طرف عرضه فساد را نشان می‌دهد. بنابر همین سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۱۹۹۹ با بررسی بر روی ۱۹ کشور شاخص دیگری به نام BPI^۲ را معرفی کرده است. همان‌طور که از نام این شاخص مشخص است، پرداخت کنندگان رشوه مد نظر است. شاخص BPI بر خلاف CPI طرف تقاضای فساد را اندازه‌گیری می‌کند، نکته حائز اهمیت در این باره اندازه فساد است

^۱ - در میان سایر کشورهای خاور میانه امارات متحده عربی رتبه ۳۴، بحرین ۴۶، عمان ۵۳، اردن ۵۳، کویت ۶۰، عربستان سعودی ۷۹، لبنان ۹۹، ایران ۱۳۱، یمن ۱۳۱، لیبی ۱۳۱، سوریه ۱۳۸ و عراق ۱۷۸ دارا می‌باشند.

کشورهای شفاف بمانند: سوئیس ۷، کانادا ۹، بریتانیا ۱۲، آلمان ۱۶، ژاپن ۱۷، فرانسه ۱۹، آمریکا ۲۰، ترکیه ۶۴، چین ۷۲، هند ۷۲ و روسیه ۱۴۳ رتبه را به خودشان اختصاص داده‌اند

Ostrefeld, David, 2006, Corruption and development, Journal of Economic Growth, Vol. 2 No.4, Pp.13-20.

^۲. Bride payers Index

به عبارت دیگر وجود فساد مدنظر نیست. به نظر بعضی از اقتصاددانان در همه کشورها فساد وجود دارد ولی در درجه فساد در بین کشورها با هم متفاوت است. (Ostergaard, 2007, P.209) ^۱ جدول شماره یک CPI و BPI را سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ برای ۲۱ کشور را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۹ سه کشور سوئد، کانادا و سنگاپور با رقم ۹/۹،۱/۹،۲/۴ در بین ۲۱ کشور پاکترین کشورها و کشور روسیه با رقم ۲/۴ در بین ۲۱ کشور مقام آخر را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۰ سه کشور سنگاپور، سوئد و کانادا باز هم در بین کشورهای مورد بررسی در مقام اول تا سوم در ردیف پاکترین کشور قرار گرفتند و مانند دوره قبل کشور روسیه با رقم ۲/۳ به عنوان بیشترین فساد در شاخص CPI در این بین معرفی شده است. از طرف دیگر شاخص BPI در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ نشان‌دهنده پاک بودن کشورهای سوئد، استرالیا، کانادا، سوئیس و اتریش است و بازم بالا بودن فساد در روسیه را نشان می‌دهد. بنابر همین ملاحظه می‌شود امروز از دو دیدگاه عرضه و تقاضا (CPI، BPI) فساد قابل اندازه‌گیری و محاسبه می‌شود و در بسیار از تحقیقات اقتصادی متغیر فساد به عنوان متغیر کمی وارد محاسبات و تحلیها می‌شود. به عبارت دیگر امروزه فساد یک متغیر کیفی نیست بلکه براساس روشهای موردنظر سازمان بین‌المللی شفافیت به متغیر کمی تبدیل شده است. (Shacklet J.R.2002,p.159) ^۲

بخش ششم: بررسی و تحلیل فساد اقتصادی در عرصه بین الملل

درخصوص بررسی فساد و شاخص‌های مربوط به آن و بر تقسیم‌بندی کشورهای از طریق سازمان بین‌المللی که از بین ۱۳۳ کشور جهان کشورهای فنلاند، ایسلند، دانمارک، زلاندنو، سنگاپور و سوئد پاک‌ترین کشورهای و میانمار، پاراگوئه، هائیتی، نیجریه و بنگلادش فاسدترین کشورها از لحاظ پرداخت رشوه و اختلاس هستند. سازمان بین‌المللی «شفافیت» در آخرین گزارش خود که در هفتم اکتبر (شانزدهم مهرماه) منتشر کرد کشور ایران را از لحاظ

^۱ Ostergaard, C.S.2007. "Explaining China's Recent Political Corruption", Corruption and Reform 1, Pp.20-233.

^۲ Shacklet J.R.2002, "Corruption: An Essay in Economic Analysis: Political.





فساد اقتصادی در بین ۱۳۳ کشور در رتبه ۷۸ قرار داد. پیتراگین، سرپرست سازمان بین‌المللی شفافیت در ارتباط با انتشار این گزارش اظهار داشت: «شاخص جدید فساد اشاره به این نکته دارد که در کشورهای ثروتمند همانند کشورهای فقیر فساد اقتصادی در سطوح بالا وجود دارد. به همین خاطر کشورهای توسعه یافته باید بنگاه‌های بین‌المللی را مجبور کنند تا برای جلوگیری از پرداخت رشوه، معاهده‌های بین‌المللی را مراعات کنند و بازرگانان نیز تعهد کامل به معاهده ضد رشوه مصوب کشورهای (OECD) داشته باشند». در عین حال او افزود: «امتیاز ۹۰ درصد کشورهای در حال توسعه در شاخص فساد سازمان بین‌المللی شفافیت زیر نمره ۵ بوده است». شاخص نمره ۱۰ پاک‌ترین کشور و نمره صفر فسادپذیرترین کشور است. به گفته آگین «دولت‌های کشورهای در حال توسعه باید برای مبارزه با فساد برنامه‌های جامع و هدفمندی را پیاده کنند، اما آن‌ها هم‌چنین در پاسخ به استراتژی‌های ملی مبارزه با فساد نیازمند کمک‌های فوری عملی هستند». برای این که این استراتژی‌ها موفق شوند آگین گفت: «هر حمایتی باید با همکاری و پشتیبانی بین‌المللی باشد. کشورهای کمک‌کننده و نهادهای مالی بین‌المللی باید کمک‌های مالی خود را که باعث فساد دولت‌ها می‌شود متوقف کنند و اسامی بنگاه‌های بین‌المللی را که رشوه می‌پردازند در سطح جهان منتشر کنند».

(Senturia, J.J. 2001. Vol. IV, P. 448) 'سرپرست سازمان بین‌المللی شفافیت توضیح داد: «در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی ۷۰ درصد کشورهایی که نمره کمتر از ۵ دارند، فساد در بین سیاستمداران و مقامات آن‌ها نفوذ کرده است و ۵۰ درصد کشورهای در حال توسعه‌ای که نمره کمتر از سه دارند، سطح بالایی از فساد را دارد هستند»» (Ibid, 450) «لارنس گرافت» سرپرست بخش انگلستان سازمان بین‌المللی شفافیت در ارتباط با شاخص‌های جدید فساد می‌گوید: «این شاخص امروزه این نکته را بیان می‌کند که فقط کشورهای فقیر نیستند که فساد در آنجا بیداد می‌کند، سطح فساد در کشورهای اروپایی مانند یونان و ایتالیا و در کشورهای با ذخایر بالای نفتی مانند نیجریه، آنگولا، آذربایجان، اندونزی، قزاقستان، لیبی، ونزوئلا و عراق به شدت نگران‌کننده است.» (Ibid, 451) به گفته گرافت «برای این که این وضعیت برگردد

¹ Senturia, J.J. 2001. 'Corruption Political', Encyclopedia of Social Sciences Vol. IV, Pp. 448-452.

به طوری که افراد عادی در ثروت نفت کشورشان سهیم شوند، این سازمان همراه با سازمان‌های غیردولتی از تمامی بنگاه‌های بین‌المللی نفتی خواسته است که پرداخت به دولت‌ها و شرکت‌های دولتی نفتی را منتشر کنند. این کار شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی، کشورهای نیجریه، آنگولا، عراق، اندونزی و قزاقستان را قادر خواهد ساخت تا تصویر شفاف‌تری از درآمدهای دولت داشته باشند. به طوری که بتوانند از دولت‌های خود حساب پس بگیرند تا درجایی که بودجه‌های دولتی هزینه نمی‌شوند به جای آن که ناپدید شوند و به سمت طرح‌های گران‌قیمت و بدون بازده و یا حساب‌های مخفی سیاستمداران و یا مقامات عمومی بروند در بهینه‌سازی منابع کمیاب استفاده شوند.» (Ostergaard, C.S.2007, P.209) او با اشاره به این نکته که «احزاب سیاسی، دادگاهها و پلیس به عنوان سه ناحیه‌ای که نیازمند بیشترین اصلاحات هستند» افزود: «این نشان می‌دهد که در این نواحی فقدان کامل اعمال وجود دارد.» (Ibid,216)

بند اول: نهادهای مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد در کشورهای مختلف جهان

بسیاری از کشورهای به منظور کشف و پیگیری و مبارزه با فساد اداری ادارات جداگانه و اکثراً مستقلی ایجاد کرده‌اند. در برخی کشورها این ادارات هیچ‌گونه وابستگی اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پلیس ندارند و کاملاً مستقل عمل می‌کنند. در سایر کشورها ادارات مبارزه با فساد در درون اداره پلیس و یا شهرداری‌ها تشکیل شده‌اند. چرا دولت‌ها با فساد اداری مانند سایر قانون شکنی‌ها برخورد نمی‌کنند و برای رویارویی با آن نهادهای جداگانه‌ای ایجاد می‌کنند؟ دو دلیل مهم برای این اقدام وجود دارد. اولاً تخلفات اداری در برخی موارد بسیار پیچیده هستند و کشف آن‌ها به تخصص‌های ویژه‌ای نیاز دارد. وجود یک اداره مستقل برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص‌های موردنیاز می‌گردد و در نتیجه به مرور زمان کارایی این واحد در امر مبارزه با فساد افزایش می‌یابد. ثانیاً استقلال این ادارات جلوی اعمال نفوذ مسئولین در تحقیقات آنها را خواهد گرفت. بدون استقلال کافی این نهادها، مبارزه با فساد در رده‌های بالای دولت ناموفق خواهد بود. در عین حال حتی در مواردی که این ادارات

زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کنند فعالیت‌های آن‌ها در راه تجسس و جمع‌آوری و اطلاعات نقش مهمی را در کشف موارد فساد ایفا می‌کند. (Palmier, 1975p.577) 'مسئولیت و اهداف اداره‌های ضد فساد از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. در شهرداری‌های امریکا این مراکز علاوه بر فعالیت‌های تجسسی و کشف فساد به بررسی نقاط ضعف دستگاه‌های اداری از نظر فسادپذیری نیز می‌پردازند و هر سال خطر بروز فسادهای مختلف را با توجه به روش‌های اداری موجود مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در امریکا هم‌چنین از روش دام‌گذاری برای کارمندان دولت و سیاست‌مداران، بیشتر از سایر کشورها استفاده می‌شود. در کشورهای سنگاپور و هنگ‌کنگ ادارات ضد فساد به منبع درآمد و الگوی مصرف کارمندان دولت، توجه خاصی نشان می‌دهند. در هندوستان این ادارات موارد خرده فساد (فساد در سطوح پایین کارمندی) را عملاً نادیده می‌گیرند و توان خود را برای مبارزه با فساد سیاسی و فساد مدیران عالی‌رتبه صرف می‌کنند. امروزه ادارات و مراکز مبارزه با فساد اداری در برخی از کشورها در جهت مبارزه با فساد تشکیل گردیده است که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود:

۱- هندوستان^۲

به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مورد فساد اداری کمیسیونی به نام کمیسیون مرکزی حراست (Central Vigilance Commission) در سال ۱۹۶۴ تشکیل گردید. این کمیسیون در کلیه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی شعبه دارد و پس از بررسی موارد قابل پی‌گیری را به یک دایره ویژه در اداره پلیس به نام اداره مرکزی تحقیقات (Central Bureau of Investigation) ارجاع می‌دهد. اداره مرکزی تحقیقات پس از انجام تحقیقات و جمع‌آوری مدارک پرونده‌های فساد را برای پی‌گیری قانونی به مراکز قضایی می‌فرستد.

¹ Palmier, L. "Corruption In India", 1975. New Society 5, June, Pp.577-579.

² Monterio, John B. 1966. Corruption. Bombay: Manaktalas.

Palmier, L. "Corruption In India", 1975. New Society 5, June, Pp.577-579.

۲- هنگ کنگ

کمیسیون مستقل بر علیه فساد (Independent Commission against Corruption)

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ در عکس‌العمل به گسترش فساد در سطوح بالای اداره پلیس آن کشور تأسیس گردید و کاملاً مستقل از اداره پلیس عمل می‌کند. این کمیسیون دارای واحدهای پلیسی و تجسسی مستقل بوده و از اختیارات زیادی برخوردار است.

۳- جمهوری خلق چین^۱

از سال ۱۹۷۹ در داخل حزب کمونیست نهادهایی به نام کمیسیونهای نظارت انضباطی (Discipline Inspection Commissions) ایجاد گردید. این کمیسیونها در تمام سطوح فعالیت می‌کنند و موظفند با سوء استفاده از منابع دولتی توسط مسئولین و کارمندان مبارزه کنند. عملکرد این کمیسیونها در اثر تضادهای موجود بین حزب کمونیست و مراکز قضایی آسیب دیده است. مسئولین حزب در تحقیقات کمیسیونها مداخله می‌کنند.

۴- نیجریه

بعد از پاکسازی جمعی سال ۱۹۷۵ دولت «اباسانجو» در نیجریه دو نهاد مجزا برای رویارویی با فساد ایجاد کرد. اداره شکایات عامه (Public Complaints Bureau) برای رسیدگی به شکایات شهروندان از مظالم اداری و اداره بررسی اعمال فاسد (Corrupt Practices Investigation Bureau) برای تحقیق و رسیدگی به کلیه موارد فساد اداری ایجاد شده بودند. این نهادها موفق نبودند و پس از انتقال قدرت به دولت غیرنظامی در سال ۱۹۷۹ منحل شدند. به جای آنها دو نهاد جدید به نام اداره رفتار اداری (Code of Conduct

¹ Ostergaard, C.S. 1983. "Political Corruption and local Administrative Elites in the people's Republic of China" - paper given at the workshop on Comparative Political Corruption, ECRR, Ereiburg, 20-25 March.

Ostergaard, C.S. 2007. "Explaining China's Recent Political Corruption", Corruption and Reform 1, Pp.209-233.



Bureau) و دادگاه رفتار اداری (Code of Conduct Tribunal) تشکیل شد همراه با آیین‌نامه خاصی نیز برای رفتار اداری تنظیم گردید. یکی از وظایف مهم این نهادها رسیدگی به مشروعیت منابع ثروت و درآمد کارمندان دولت بود (Ostergaard, 2007, p.202)

۵- ایالات متحده آمریکا

در امریکا پس از افشای ماجرای واترگیت و چند مورد سوء استفاده‌های مالی در شهرداری شهرهای بزرگ این کشور بسیاری از ادارات دولتی بخصوص اداره تحقیقات فدرال (FBI) در فعالیت‌های شناسایی و مبارزه با فساد اداری درگیر هستند. در شهرداری نیویورک (و بسیاری شهرهای دیگر) دفتر ویژه‌ای به نام بخش تحقیقات (Department of investigation) ایجاد شده است که بر رفتار کارمندان دولت به آن‌ها رشوه پیشنهاد می‌کند استفاده زیادی می‌شود. (Ibid, p.206)

۶- سنگاپور

در سال ۱۹۵۱ اداره بررسی اعمال فاسد (Corrupt Practices Investigation Bureau) تأسیس گردید. این اداره به کلیه اسناد مالی دولتی و خصوصی دسترسی دارد و در طی سالهای فعالیتش برخی از سیاستمداران با نفوذ، و مدیران عالی‌رتبه دولتی را به پای میز محاکمه کشانده است. در عین حال اداره مذکور بر رفتار و فعالیت‌های مالی کارمندان معمولی و رده پایین نیز نظارت دارد و به طور کلی نقش مهمی در مبارزه با فساد ایفا می‌کند. (p.209)

ب- اهداف و فعالیت‌های اصلی در یک برنامه کلی ضد فساد در عرصه فراملی

هدف برنامه‌ها و فعالیت‌های اصلی باید جلوگیری و مبارزه با پنج نوع فساد که در زیر به آن اشاره می‌شود باشد:

- (۱) مبارزه با فساد سیاسی و قانونی
- (۲) مبارزه با اختلاس و سوء استفاده از بودجه دولت

۳) مبارزه با اخاذی و اجحاف کارمندان و مسئولین نسبت به بخش خصوصی

۴) مبارزه با سوء تخصیص و حق‌کشی در توزیع کالاها و خدمات دولتی (به خصوص محصولات شرکت‌های دولتی)

۵) مبارزه با دزدی و سوء استفاده از اموال دولت

برای نیل به این اهداف روش‌های فوق‌الذکر را می‌توان در قالب پنج گروه اصلی ارایه داد.

۱- ایجاد شفافیت اطلاعاتی درمورد فعالیت‌های مالی و نحوه توزیع خدمات و محصولات دستگاه‌ها و موسسات وابسته به دولت به گونه‌ای که مردم و مسئولین به طور یکسان به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.

۲- فعالیت‌های تجسسی به منظور شناسایی موارد فساد اداری

این فعالیت‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) بررسی‌های آماری درمورد رعایت عدالت و ضابطه در توزیع خدمات و امکانات دولتی؛

ب) تحقیقات نیروهای اطلاعاتی و انتظامی درمورد افراد و نهادهای مظنون به فساد؛

ج) راهکارهای لازم برای شناسایی کارمندان و سیاستمداران فسادپذیر؛

۳- ایجاد مراکز مستقل رسیدگی به شکایات مردم از مراجع دولتی؛

۴- ایجاد شرایط مناسب برای حساب‌کشی دموکراتیک؛

بخش ششم: مبانی بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی به عنوان جرمی اقتصادی در

عرصه بین‌الملل

در سطح بین‌المللی اقدامات مختلفی برای مبارزه با پول‌شویی انجام شده، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود. اتحادیه بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی (سلیمی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) (fatf) اتحادیه بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی (معروف به چهل توصیه) یک سازمان همکاری میان دول است که در ۷ فوریه ۱۹۹۰ به منظور مبارزه با پول‌شویی شکل گرفته است. هدف



اصلی این اتحادیه در واقع مبارزه با مظاهر مختلف فعالیت‌های غیرقانونی می‌باشد که بخش‌های اقتصادی کشور را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. در حال حاضر fatf شامل ۲۹ کشور و دو سازمان بین‌المللی است و اعضای این اتحادیه شامل کشورهایی می‌باشند که از مراکز مهم مالی جهان محسوب می‌شوند اتحادیه fatf دارای یک دستورالعمل چهار ماده‌ای است که کلیه جنبه‌های مبارزه با پول‌شویی را در بر می‌گیرد. عمده اهداف مذکور در این دستورالعمل آن است که از تطهیر پول‌های کثیف حاصل از خرید و فروش مواد مخدر، قاچاق اسلحه، و درآمدهای حاصل از ارتکاب جرایم، مخفی نگه داشتن و منشا مجرمانه تحصیل این قبیل پول‌ها و انتقال آزادانه آن‌ها از شبکه بانکی در داخل و خارج کشور جلوگیری به عمل آید و مجموعه‌ی این عملیات به عنوان اقدامات مجرمانه قابل پیگرد جزایی باشد. (صحرائیان، ۱۳۸۲، ص ۴۷) از ابتدای شروع به فعالیت fatf مشخص بود که کشورهای عضو این اتحادیه دارای سیستم‌های مالی و قانونی متفاوت با یکدیگر می‌باشند و نمی‌توانند معیارهای یکسانی داشته باشند و برای مبارزه با پول‌شویی از رفتار یکسانی پیروی کنند از این رو دستورالعمل اجرایی fatf به صورتی نوشته شده است که هم قابل اجرا توسط کلیه اعضا باشد و هم این که مبادلات پولی کشورهای عضو را محدود نکند و مانع توسعه کشورها نشود.

الف) ایران و قانون مبارزه با جرم پول‌شویی

در بخشهای قبلی تا حدودی خطر پول‌شویی را در بر هم زدن نظم اقتصادی کشورها و سیاست کیفری برخی از کشورها در مبارزه با این پدیده خطرناک و هم‌چنین برخی از اقدامات انجام شده در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی در راستای مبارزه با پول‌شویی را مرور کردیم. در کشور ایران با وجود این که با تورم قوانین جزایی روبرو هستیم اما متأسفانه در پاره‌ای از موارد، خلا قانونی وجود دارد هر چند در برخی از قوانین فعلی مواردی وجود دارد که نهایتاً به مجازات مرتکبین اعمالی منجر می‌شود که پول‌شویی محسوب می‌شود (اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق. ا). اما تاکنون قانون جامعی که منحصر در راه مبارزه با پول‌شویی تصویب شده باشد، وجود نداشته است. بنابراین در پاره‌ای از موارد با



وجود روشن بودن منشا نامشروع اموال، امکان قانونی مبارزه با آن‌ها وجود ندارد. نبود چنین قانونی در مقابله با پول‌های کثیف، گسترش فساد اقتصادی، توسعه اعتیاد، تسهیل جابه‌جایی مواد مخدر و بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی را موجب گردیده است. اگرچه قانون مقابله با جرم پول شویی در ردیف قوانین مترقی جوامع توسعه یافته محسوب می‌شود ولی متأسفانه به دلیل نبود اراده سیاسی در کشورمان شاهد مسکوت ماندن پنج پیش‌نویس قبلی در دولت‌های وقت بوده‌ایم. بی‌شک مهم‌ترین محور مبارزه با پول‌شویی در عرصه حقوق داخلی می‌تواند مبارزه با جرایم منشا باشد؛ زیرا هر گونه مبارزه مستمر، اصولی و جدی با جرایم قاچاق و مفساد اقتصادی سازمان یافته و تشکیلاتی (در قالب عناوین مجرمانه) اقدامی است در جهت جلوگیری از ارتکاب جرم پول‌شویی. و الا مجرمان با تحصیل منافع نامشروع از طریق ارتکاب جرایم منشا یا مقدم و به منظور مشروع جلوه دادن این منافع ناچار خواهند بود آن را به اقتصاد جامعه تزریق کنند و در نتیجه با ورود پول کثیف به سیستم سالم اقتصادی کشور، زمینه اختلال در نظام اقتصادی کشور فراهم خواهد شد. (الماسی، ۱۳۸۳، ص ۶۳) بنابراین در وهله اول باید با جرم منشا مبارزه کرد و در صورتی که جرم منشا ریشه کن شود موضوع جرم پول‌شویی هم منتفی خواهد شد. ممکن است در این‌جا این ایراد هم گفته شود که کشورها سیاست کیفری مؤثری را در مورد جرایم منشا اعمال نمی‌کنند.

ب) رشوه در روابط خارجی

با هدف تضمین رعایت قواعد مربوط به تجارت بین‌الملل، کشورهای دنیا مدت‌های مدیدی است که جرم خاصی را با عنوان "ارتشای مقامات عمومی خارجی" مدنظر قرار داده‌اند. جرم تلقی کردن رفتارهای فاسد در بیرون از سرزمین‌های ملی از آنجا که در راستای حمایت از منافع مشترک دولت‌ها می‌باشد، توجیه‌پذیر است. اتحادیه اروپا اولین سازمان اروپایی بود که در تصویب یک معاهده بین‌المللی در خصوص جرم‌انگاری فساد مقامات عمومی خارجی توفیق یافت. از دیدگاه کنوانسیون مذکور مقام دولتی خارجی به هر شخصی اطلاق می‌شود که



شغل قانون‌گذاری، اجرایی، اداری یا قضایی یک کشور خارجی را اعم از انتصابی یا انتخابی برعهده دارد و نیز هر شخصی که یک شغل (کار) دولتی را برای یک کشور خارجی از جمله یک نهاد یا مؤسسه دولتی انجام دهد.

ج) ارتشای مقامات سازمان‌های بین‌المللی

در گذشته نیز رشای مقامات عمومی طبق قوانین داخلی کشورها جرم بود و آنان برابر قوانین دولت متبوع خود در صورت اخذ رشوه مجرم تلقی و مجازات می‌شدند. از خصوصیات بارز کارمندان سازمان‌های بین‌المللی، استقلال آن‌ها از دولت متبوع خود و داشتن رابطه استخدامی با سازمانی است که برای آن کار می‌کند. مقام یک سازمان بین‌المللی به کارمند بین‌المللی یا هر شخصی اطلاق می‌شود که توسط چنین سازمانی مجاز باشد از طرف آن سازمان اقدام نماید. مباحث مربوط به راشی و عنصر معنوی و مادی که در مباحث پیشین مورد اشاره قرار گرفت، در اینجا نیز قابلیت اعمال دارد.

د) رشوه در بخش خصوصی

ماده ۲۱ کنوانسیون، مرتکبان جرم رشوه در بخش خصوصی را نیز مجرم تلقی کرده و برای آن‌ها مسئولیت کیفری قائل شده است. پیش‌بینی قواعدی که از بروز فساد در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی جلوگیری نماید، ضروری به نظر می‌رسد. مطالب مذکور در بخش رشاء و ارتشای مقامات عمومی دولتی در این جا نیز قابل اعمال است؛ به‌خصوص مطالب مربوط به عناصر مادی و معنوی که مورد اشاره قرار گرفتند.

ذ) تفاوت رشوه در بخش خصوصی و دولتی

دامنه شمول این جرم در بخش خصوصی محدود به فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی است. از این رو آن دسته از فعالیت‌های غیرانتفاعی که توسط اشخاص یا سازمان‌های غیردولتی انجام می‌شوند، از دایره شمول این جرم مستثنا هستند. بر این اساس، آسیب‌پذیرترین قسمت بخش خصوصی که همانا فعالیت‌های تجاری است، باید جرم‌انگاری شود. البته هیچ چیز مانع از آن نیست که این جرم به سایر بخش

ها- در صورت صلاحدید دولت عضو- تسری داده شود. تفاوت مهم دیگر به مرتشی مربوط است. ممکن است نهادهای خصوصی به صورت شرکت واجد شخصیت حقوقی یا بنگاه‌های اقتصادی، تراست‌ها و نهادهای مشابه دیگر که به فعالیت‌های بازرگانی، مالی و اقتصادی می‌پردازند، باشند. بنابراین نهادهای عمومی از دایره شمول مقررات این بخش خارج هستند. تفاوت مهم دیگر به رفتار شخص مرتشی در بخش خصوصی مربوط می‌شود. آن‌گونه که در بحث ارتشای مقامات عمومی بیان شد، احراز این موضوع که آیا مقامات مذکور وظایف رسمی خود را نقض کرده‌اند یا خیر، فاقد اهمیت است. علت آن نیز انتظار عموم از آنها در جهت شفاف‌سازی، بی‌طرفی و وفاداری است. اما در مورد بخش خصوصی نقض تکالیف و وظیفه باید احراز شود و هدف از جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی رعایت امانتداری، وفاداری و اعتماد است که از مؤلفه‌های ضروری در جهت برقراری روابط خصوصی سالم و پایدار می‌باشد. حقوق و تکالیف مربوط به این روابط با قرارداد تعیین می‌شود.

بخش هفتم: بررسی و تحلیل اقتصادی اختلاس در نظام دولتی

ماده ۱۷ کنوانسیون مبارزه با فساد در راستای اهداف کنوانسیون؛ یعنی ترغیب و تشویق به امانتداری، پاسخگویی و مدیریت صحیح امور عمومی و اموال دولتی می‌باشد. در این ماده از دولت‌های عضو درخواست شده است اختلاس، سوءاستفاده از وجوه و انحرافات دیگر را طبق قوانین جرم و قابل مجازات تلقی کنند. برای احراز جرم تصرف غیرقانونی در اموال دو شرط باید وجود داشته باشد: نخست آن که مال یا وجه حسب وظیفه در اختیار کارمند قرار بگیرد و دوم این که کارمند (مقام دولتی) از آن مال یا وجه به نحو غیرمجاز و بدون قصد تملک استفاده کند. برای تحقق جرایمی که بر اثر اهمال یا تفریط صورت می‌گیرند، نیازی به قصد مجرمانه نیست و تقصیر کفایت می‌کند. هرگاه قصد مجرمانه وجود داشته باشد، شمول عنوان "تصرف غیرقانونی" به آن محل تردید خواهد بود. تفاوت بین جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی با جرم اختلاس در آن است که در تصرف غیرقانونی متهم



قصد تملک اموال دولتی را به نفع خود یا دیگری ندارد؛ اما در جرم اختلاس متهم مال را به نفع خود یا دیگری برداشت می‌کند. البته ماده ۱۷ کنوانسیون عمده بودن را از شرایط تحقق حیف و میل، اختلاس و دیگر استفاده‌های غیرمجاز مقرر نموده است. بنابراین به نظر می‌رسد این گونه باید تفسیر شود که صرف استفاده غیرمجاز که معمولاً از روی عمد صورت می‌گیرد را کافی بدانیم؛ هر چند قصد تملک وجود نداشته باشد.

بند اول: اختلاس اموال در بخش خصوصی

جرم‌انگاری اختلاس در بخش خصوصی در راستای امانتداری و شفافیت در عملکرد می‌باشد؛ اما کنوانسیون برخلاف ماده ۱۷ آن را محدود به فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی می‌کند. در ایران اقدامات مجرمانه افراد در بخش خصوصی تحت برخی عناوین جزایی همچون "خیانت در امانت" و "سرقت" مورد بررسی قرار گرفته است و یا آن گونه که در بندهای ۳ و ۴ ماده ۲۵۸ قانون تجارت بیان شده است، چنانچه رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند، مرتکب جرم شده و قابل مجازات هستند. در جهت اجرای مؤثر کنوانسیون، مقنن باید بدون ملاحظه جایگاه شغلی اشخاص، ارتکاب اختلاس در حین فعالیت‌های مالی یا بازرگانی توسط آنان را جرم‌انگاری کند.

نتیجه گیری

در دنیای کنونی آنچه که برای افزایش و وجود فساد با همه ارکان و ابعاد آن قابل تصور است فعالیت‌های دولت و دستگاه‌های اجرای در امور اقتصادی چون مسئله مالیات‌ها، عوارض گمرکی و یا اجرای پروژه‌های ملی در کشور توسط دولت و عدم وجود قوانین شفاف و ساده درخصوص تنظیم فعالیت‌های بخش خصوصی و پیچیدگی این قوانین است. به نظر می‌رسد وجود انحصار در بخش اقتصادی ... که خود نمونه‌ای از ایجاد رانت‌ها و فساد اقتصادی است



در اقتصاد همه کشورها و بخصوص کشور خودمان یک مسئله بسیار مهم تلقی می‌شود. مبارزه با مفاسد اقتصادی، بحث جدی همه اقتصادهای روبه رشد است، چرا که در این گونه اقتصادها، حرکت سریع به سوی اهداف بلندمدت و امتیازاتی که برای درگیر شدن بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی اعطا می‌شود، سبب ایجاد چالش‌های در رفتار قانونمند موسسات اقتصادی که طبیعتاً به دنبال سود بیشتری در فعالیت‌های خود هستند، می‌شود. طبیعی است که در چنین اوضاعی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، به مثابه گذر کردن از لبه تیغ است، چرا که از سویی، چنانچه مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام نپذیرد، بیماری‌های اقتصاد روز به روز مزمن‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود و اگر مبارزه به شکل غیرمنطقی انجام شود، باعث ترس سرمایه‌گذاران و برهم خوردن نظام امنیت سرمایه‌گذاری می‌شود. به نظر می‌رسد خطرناکترین وجه مبارزه با مفاسد اقتصادی در هر کشور، استفاده سیاسی و جناحی کردن از جریانی است که به طور طبیعی در هر کشور دنبال می‌شود. چرا که مبارزه با مفاسد اقتصادی، مثل مبارزه با تمام شاخه‌ها و وجود بزهکاری‌های اجتماعی، لازم و ضروری است و به روال عادی باید همواره در جریان باشد. مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور طبیعی، مبارزه‌ای اجتماعی در جهت رفع نوعی بزهکاری است که نباید به جناح بندی‌های سیاسی آمیخته شود. حرکت اقتصادی ایران به سوی توسعه که طی چندساله اخیر، با وجود مشکلات فراوان، روند رو به رشدی به خود گرفته است، به طور طبیعی به تشدید برخی ناملایمات اقتصادی و بزهکاری‌های اقتصادی در کنار خود، دامن می‌زند. این روند، گرچه غیرقابل کنترل نیست، اما، به دلیل پیچیدگی موضوع حل آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد و هرگونه بی‌دقتی و حرکت‌های تخریبی سیاسی می‌تواند ریشه های اقتصاد متزلزل و ناتوان کشور را بیش از پیش بلرزاند و فرو بریزد. برخوردهای سطح که گاهی برخی رسانه‌های با موضوع مفاسد اقتصادی دارند به نظر می‌رسد نه تنها کمکی به روند مبارزه با مفاسد اقتصادی نمی‌کند، بلکه همواره باعث لو رفتن بخشی از جریان تحقیق از یک طرف و ردگم کردن و محو شدن ریشه‌های بسیاری از مفاسد اقتصادی از طرف دیگر شده است و به برخی سوء استفاده کنندگان این امکان را داده است که از رهگذر طرح مباحث فرعی، بار خود را به گونه‌ای دیگر برنهند و جریان فساد را طور دیگر وانمود کنند. تأکید مقام



معظم رهبری را بر اهمیت مبارزه درست با مفاسد اقتصادی، در حقیقت می‌توان نقدی برکارنامه چندین و چندماهه این مبارزه دانست. ایشان در کنار تأکید بر آثار زیانبار عدم برخورد جدی با فساد اقتصادی، یادآور می‌شوند که تبلیغات درخصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی باید صحیح، جدی، پیگیر، هدایت شده و براساس عقل و تدبیر باشد.

پیشنادهای نویسندگان

- ۱- وضع قوانین مناسب و حذف بسترهای فسادآمیز؛
- ۲- آموزش مقررات اقتصادی به کارشناسان، ضابطین، قضات و مدیران؛
- ۳- تشویق پیشگیری اجتماعی و وضعی؛
- ۴- تعریف مفاسد اقتصادی با رعایت قوانین اسلامی و کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد؛
- ۵- تقویت نظارت و بازرسی و انتخاب بازرسان متخصص؛
- ۶- ارائه آمار دقیق در مورد میزان پرونده‌های وارده، مختومه، احکام برائت و احکام قطعی لازم‌الاجرا؛



منابع و مأخذ

الف) کتب

- آشوری، م، آیین دادرسی کیفری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۶
- آقازاده، ع؛ بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، چاپ اول، انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۴
- بکاریا، س. رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۴.
- پرادل، ژ. تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
- پیمانی، ض؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
- توسلی زاده، ت، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، م؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲.
- دادخدایی، ل. فساد مالی- اداری و سیاست جنایی مقابله با آن: با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- رایجیان اصلی، م، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۸۷۱۳
- ریعی، ع. زنده باد فساد، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳.
- زراعت، ع، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳،
- صلاحی، ج، کیفرشناسی و دیدگاه های جدید، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
- عباس زادگان، س، فساد اداری، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.



عشماوی، س. مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران: انتشارات ناجا، ۱۳۸۶

ب) مجلات

جرمی پ، "پارلمان و قانونگذاری علیه فساد"، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۵.

حبیب زاده، م؛ آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۳ ص ۱۴۵

حبیب زاده، م؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین و کیومرث کلاتتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰

حسینی، س؛ "نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین"، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳
دادخدایی، ل، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.

روستایی، م، "ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی"، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۸.

شمس ناتری، م و توسلی زاده ت، "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، فصلنامه حقوقی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰

